

تحلیلی بر اقدامات عمرانی در بارگاه رضوی در دوره حکومت سلجوقیان

لیدا مودت / استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز / lidamavadat@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴
(DOI): 10.22034/shistu.2024.562235.2284

چکیده

بعد از شهادت امام رضا علیه السلام، حرم مطهر رضوی در کانون توجه حکومت‌های سنی‌مذهب مستقر در خراسان قرار گرفت. در دوران حکومت سامانی و غزنوی، کارگزاران این دو حکومت نسبت به حرم مطهر رضوی احترام و ارادت داشتند. رفتار تساهل‌آمیز سامانیان و غزنویان نسبت به حرم مطهر رضوی، زمینه و بستری را برای اقدامات بعدی در دوران حکومت سلجوقیان فراهم ساخت. پژوهش حاضر به تحلیلی بر اقدامات عمرانی در حرم مطهر رضوی در دوره حکومت سلجوقیان با روش «توصیفی - تحلیلی» پرداخته است. این پژوهش کوشیده است با بهره‌گیری از منابع تاریخی و آثار برجای مانده در حرم مطهر رضوی و در موزه آستان قدس، تحقیقی تاریخی، باستان‌شناسانه، معمارانه و اجتماعی ارائه دهد. هدف مقاله پاسخ به این پرسش اصلی است که رفتار سلاطین سلجوقی و وابستگان آنان نسبت به حرم مطهر رضوی چگونه بوده است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که بستری که حکومت‌های سامانیان و غزنویان ایجاد نمودند، موجب شد سلاطین بزرگ سلجوقی نیز احترام و ارادت قلبی نسبت به حرم مطهر رضوی داشته باشند. علاوه بر این، در زمان سلطان سنجر بیشترین اقدامات عمرانی در این مکان مقدس صورت گرفت. رفتار تساهل‌آمیز سلطان سنجر نسبت به اقدامات عمرانی وزیر شیعی اش، ابوطاهر قمی و خاندان کاکویه شیعی، منجر به گسترش تشیع محبتی و عاطفی در میان زنان خاندان سلجوقی گردید. از این‌رو زنان خاندان سلجوقی با توجه به بسترهای فرهنگی ایجادشده، توجه ویژه‌ای به حرم مطهر رضوی داشتند. کلیدواژه: امام رضا علیه السلام، حرم مطهر رضوی، سلجوقیان، زنان، ترکان زُمرد مَلِک.

مقدمه

اندیشه «تساهل مذهبی» به «نگرش یا رفتاری است که تمایل دارد تفاوت‌های مذهبی موجود در جامعه را بدون تعصب یا تبعیض به رسمیت شناخته و حقوق یکسانی برای آنها وجود داشته باشد» (فتحعلی، ۱۳۷۹، ص ۶۶) تعریف شده است.

جان لاک در خصوص رویکرد ساختار سیاسی با مذاهب و گروه‌های اجتماعی بیان می‌دارد: که فرمانروا باید عقایدی را که با جامعه بشری و معیار اخلاقی که برای تداوم جامعه مدنی لازم و ضروری‌اند و با آنها ضدیت ندارد، تحمل کند. (جان لاک، ۱۳۸۳، ص ۱۱)

به‌طور کلی «تساهل» به دو معنا به‌کار می‌رود.

۱. نفی حرج از دین، به معنای سهولت و سماحت گرفته می‌شود. (حج: ۷۸)
۲. به معنای یک فضیلت اخلاقی.

«تساهل» در تعبیر دوم، به معنای پذیرش تکثر و برداشت‌های مختلف درون‌دینی و نحوه سلوک با پیروان ادیان دیگر است. (فرزانه‌فر، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹)

برخی از محققان دوره سلجوقیان را آغاز افول عقل‌گرایی و رشد تعصبات مذهبی و افراطی‌گری می‌دانند. از این‌رو بسیاری از تحقیقات جدید در خصوص سلجوقیان، الگوی کلی جامعه آن روزگار را مملو از این نوع گرایش عقیدتی می‌دانند. شواهد بسیاری از برقراری فضای متعصبانه جامعه سلجوقی در منابع در دسترس است. از این منظر، پژوهش‌ها و آثار گوناگونی به‌چاپ رسیده است؛ از جمله مقالات «بررسی تطبیقی رواداری مذهبی آل‌بویه و سلاجقه» (بارانی و دهقانی، ۱۳۹۳)؛ «چگونگی تأثیرگذاری باورهای مذهبی بر زندگی اجتماعی شهر ری دوره سلجوقی» (یوسفی‌فر، ۱۳۸۹)؛ «مقایسه نظام آموزشی و مراکز علمی آل‌بویه و سلجوقیان» (عابدینی و قهرمانی، ۱۳۹۰)؛ کتاب سیاست / دانش در جهان اسلام (صفی، ۱۳۹۹)، در حالی که با بررسی موشکافانه وضعیت فرهنگی می‌توان نمودهایی از تساهل را در این دوره ملاحظه کرد.

در این زمینه پژوهش حاضر با رویکرد جدید سعی می‌کند با استفاده از روش «توصیفی - تحلیلی»، روایت تازه‌ای از وضعیت تساهل سلجوقیان با حرم مطهر رضوی ارائه کند. هدف مقاله پاسخ به این پرسش اصلی است که رفتار سلاطین سلجوقی و وابستگان آنان نسبت به حرم مطهر رضوی چگونه بوده است؟

فرضیه تحقیق حاضر بر این اصل استوار است که اقدامات عمرانی را در دو جهت می‌توان ارزیابی نمود: از یک سو توجه به حرم مطهر رضوی در دوره سلجوقی به پیشینه اقدامات حکومت‌های سنی‌مذهب همچون سامانی و غزنوی بازمی‌گردد، و از سوی دیگر گرایش سلجوقیان به تشیع محبتی و عاطفی در توجه به حرم مطهر رضوی بروز کرده است.

در خصوص پیشینه تحقیق درباره تاریخچه حرم مطهر رضوی، دو مقاله به چاپ رسیده است: مقاله‌ای با عنوان «بررسی پیشینه یک اثر معماری در حرم رضوی: کتیبه‌های سنجری»، نوشته ایمانپور و صیامیان که به بررسی تاریخچه ساخت کاشی‌های ازاره حرم پرداخته است. نیز مقاله‌ای با عنوان «وضعیت بارگاه رضوی از هنگام شهادت تا آغاز سلجوقیان»، نوشته سیدابوالقاسم فروزانی. همان‌گونه که از عنوان مقاله پیداست، وضعیت حرم رضوی را تا آغاز سلجوقیان بررسی کرده؛ اما مقاله پیش رو در پی نشان دادن نمودهای فرهنگی توجه سلجوقیان به حرم مطهر رضوی است.

علاوه بر آنکه نوعی تساهل در رفتار سلجوقیان در خصوص حرم مطهر رضوی دیده می‌شود، می‌توان نوعی تشیع محبتی را در رفتارهای سلجوقیان، به ویژه در نیمه قرن ششم هجری مشاهده نمود. «تشیع محبتی و عاطفی» صورتی از تشیع است که به سبب دوستی اهل بیت علیهم‌السلام مطرح است. این نوع تشیع با تشیع اعتقادی و تشیع سیاسی تفاوت دارد و وجه تمایز آن در این است که افرادی که به لحاظ اعتقادی گرایش به اهل سنت دارند نیز می‌توانند به این نوع تشیع گرایش داشته باشند. (جعفریان، ۱۳۹۱، ص ۲۷) تشیع محبتی و عاطفی سلجوقیان را می‌توان در دوستی و احترام آنان به اهل بیت علیهم‌السلام و حرم مطهر رضوی یافت.

وضعیت حرم مطهر رضوی در دوران سامانیان و غزنویان

مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳ق) در شهر مشهد واقع است. پیکر پاک ایشان پس از شهادت، نزدیک ضلع غربی و بالا سر قبر هارون الرشید که در کاخ حمید بن قحطبه - حاکم طوس - و در دهی به نام «سناباد» نزدیک نوغان، از توابع طوس قرار داشت، به خاک سپرده شد. پس از آنکه خاک سناباد مدفن امام شد، قبه هارونی به تدریج به «مشهد» (محل شهادت) مشهور شد. (بیهقی، ۱۳۶۲، ص ۵۳۱-۵۳۲)

لازم به ذکر است که در زمان طاهریان و صفاریان با توجه به آشفتگی خراسان و به سبب دلمشغولی‌های سیاسی و نظامی این دو حکومت (تاریخ سیستان، ۱۳۶۶، ص ۲۶۸؛ گردیزی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۵)، گزارشی مبنی بر اقدامات آبادگرایانه در حرم مطهر رضوی در منابع مشاهده نمی‌شود. اعتماد السلطنه و مؤتمن معتقدند: دیلمیان برای اولین بار برای تزیین حرم اقداماتی انجام دادند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۰؛ مؤتمن، ۱۳۵۵، ص ۶۱)؛ اما به درستی می‌توان گفت: اولین آبادگران حرم مطهر رضوی سامانیان بودند. (فروزانی، ۱۳۸۵)

گفتنی است: در فاصله زمانی سفر ابودلف به خراسان، تا زمان نگارش کتاب *الحسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، تغییرات آشکار و محسوسی در حرم مطهر رضوی صورت گرفته است. ابودلف در دوره نصر بن احمد سامانی (۳۰۱-۳۳۱ق) صرفاً از وجود قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام در کنار قبر هارون یاد می‌کند و توضیحات دیگری ارائه نمی‌دهد (ابودلف، ۱۳۴۲، ص ۴)؛ اما ابن حوقل که کتاب خود را در سال ۳۶۷ق تألیف کرده است، قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام را به مقبره‌ای زیبا توصیف می‌کند که گروهی در آن معتکف‌اند. (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۱۶۹)

همچنین نویسنده *حدود العالم* که کتاب خود را در سال ۳۷۲ق نوشته، از مرقد علی بن موسی الرضا علیه السلام به عنوان مرقد مبارک یاد کرده است و گزارش می‌دهد که مردم به زیارت می‌آیند. (حدود العالم، ۱۳۷۲، ص ۲۹۴) علاوه بر این، مقدسی که کتاب خود را احتمالاً در

سال‌های ۳۷۵ یا ۳۸۱ ق تألیف نموده است، گزارش می‌دهد که دژی در اطراف حرم مطهر رضوی ساخته شده و در این دژ خانه‌ها و بازار وجود دارد. عمیدالدوله فائق که از کارگزاران عالی‌مقام و سرداران سامانی بود (جرفادقانی، ۱۳۵۷، ص ۴۱)، مسجدی در آن ساخته است که بهتر از آن در خراسان نیست. (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۸۸)

در این برهه زمانی، بزرگان دولت سامانی اقدامات ویژه‌ای در حرم مطهر رضوی انجام دادند. از آن جمله، فائق خاصه، ابومنصور عبدالرزاق و بوبکر شهمرذ را می‌توان نام برد. (بیهقی، ۱۳۶۲، ص ۵۳۱) همچنین ابومنصور عبدالرزاق، سپهسالار سامانیان، بنا بر اعتقاد و ارادتی که به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام داشته (صدوق، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۳۱-۵۳۲)، از اهتمام به اقدامات عمرانی در مرقد این بزرگوار غافل نبوده است. (فروزانی، ۱۳۸۵)

با توجه به گزارش‌های ابودلف، ابن‌حوقل، نویسنده *حدود العالم* و مقدسی در قرن چهارم هجری می‌توان گفت: روند آبادانی و رونق در حرم مطهر رضوی علیه السلام امری فراگیر بوده و در این قرن تغییرات محسوسی در حرم اتفاق افتاده است. از چهار گزارش فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که در قرن چهارم هجری، حرم رضوی رونق یافته، نام امام رضا علیه السلام در قلمرو اهل سنت بر نام هارون تقدم یافته و زائران از حرم زیارت کرده و در آنجا اعتکاف می‌کرده‌اند. به نظر می‌رسد اقدامات فائق خاصه، بوبکر شهمرذ و ابومنصور عبدالرزاق در رونق حرم رضوی چشمگیر بوده است. این موضوع که بیهقی با صراحت تمام، نه از توسعه و ترمیم مقبره هارون الرشید، بلکه از آبادسازی بارگاه امام رضا علیه السلام در عهد سامانیان یاد کرده (بیهقی، ۱۳۶۲، ص ۵۳۱)، نشانگر آن است که حرم امام رضا علیه السلام در سناباد با اشتها به «مشهد الرضا» به مرور زمان نام قبه «هارونیه» را از خاطره‌ها زدود.

لازم به ذکر است که قدیمی‌ترین سند مکتوب درباره موقوفات آستان قدس رضوی، وقفنامه‌ای مربوط به ابوالحسن سیمجور، سپهسالار و حاکم خراسان به تاریخ ۳۶۳ ق است.

(نفیسی، ۱۳۸۰، ص ۱۳)

علاوه بر اقدامات عمرانی که کارگزاران سنی‌مذهب سامانی در حرم مطهر رضوی انجام دادند، گزارش‌هایی مبنی بر زیارت اهل سنت از حرم در دوره سامانی در دست است. پیشوای اهل حدیث، ابوبکر بن خزیمه (م ۳۱۱ق) به همراه ابوعلی ثقفی (م ۳۲۸ق)، و گروهی دیگر از اهل سنت به زیارت حرم مطهر رضوی رفته و در آنجا ضمن تواضع و تعظیم به حرم، همه را شگفت‌زده کرده بودند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۳۹) همچنین ابو حاتم محمد بن حبان بستی (م ۳۵۴ق) محدث و فقیه شافعی بارها به زیارت حرم مطهر رضوی رفته و برای حل مشکلاتش به آن امام همام متوسل شده و جواب گرفته است. (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۴۵۷-۴۵۶)

در مجموع، می‌توان گفت: حکومت سامانی و کارگزاران آنان با آنکه اهل سنت بودند، نوعی ارادت، احترام و ارتباط عاطفی همراه با تساهل به حرم امام رضا علیه السلام در رفتارشان دیده می‌شود که این ارادت و احترام به دوره‌های بعدی به میراث گذاشته شده است.

در خصوص دوران غزنوی باید گفت: این حکومت همان سیاست سامانیان را در خصوص حرم مطهر رضوی در پیش گرفت، هرچند گزارشی از سبکتگین در ارتباط با حرم مطهر رضوی وجود دارد که چندان قابل باور نیست. بنا به نوشته ابن‌اثیر، سبکتگین بخش‌هایی از حرم امام رضا علیه السلام را که محل تجمع شیعیان بود، ویران کرد و مردم را از بازسازی و زیارت حرم منع نمود. (انصاری زنجانی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۳۰۷) با توجه به اینکه سبکتگین کارگزار سامانیان بود و تا پایان عمر (۳۸۷ق) به آنان وفادار ماند، بر این اساس، او به‌طور مسلم از اقدامی که برخلاف سیاست سامانیان بوده باشد، خودداری می‌کرده است. (فروزانی، ۱۳۸۵)

همان‌گونه که بیان گردید، سیاست سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی در خصوص حرم مطهر رضوی نیز در جهت سیاست سامانیان بود. سلطان محمود غزنوی دستور بازسازی حرم امام رضا علیه السلام را صادر کرد و علت بازسازی حرم توسط وی بنا به گفته

ابن اثیر، خوابی بود که وی دید. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۱۶، ص ۱۱۴-۱۱۵) علاوه بر ابن اثیر، مقدسی نیز می‌نویسد: «محمود حرم را مرمت کرد و بارگاهی نیک برداخت.» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۰)

در دوران سلطان مسعود غزنوی با وجود گرفتاری‌ها و آشفتگی‌های سیاسی، توجه به حرم امام رضا علیه السلام از نظر بزرگان دولت مغفول نماند. ابوالفضل سوری بن معتز، صاحب دیوان خراسان و از رجال دربار سلطان محمود و مسعود غزنوی، ضمن آنکه از حرم مطهر رضوی زیارت می‌کرد، مناره‌ای بر حرم ساخت و دهی بر آن وقف نمود. (بیهقی، ۱۳۶۲، ص ۵۳۱-۵۳۲) این همان مناره‌ای است که امروزه روی ایوان طلای صحن کهنه و با فاصله کمی از گنبد قرار دارد. بعدها این مناره با خشت‌های طلا و تزیینات دیگر آراسته شد. در این دوره ساختمان‌های جدیدی به بنای اصلی اضافه گردید که خشت‌های به‌کار رفته در دیوارها و سقف ضربی آنها چهار دیوار اصلی آن را شکل می‌دهد. (مولوی و دیگران، ۱۳۸۸)

علاوه بر سوری بن معتز، ابوالحسن عراقی (م ۴۲۹ق)، یکی دیگر از بزرگان دولت سلطان مسعود غزنوی ارادت ویژه‌ای به حرم امام رضا علیه السلام داشته است. وی در بستر مرگ وصیت کرد که جسد وی را در مشهد علی بن موسی الرضا علیه السلام دفن کنند. او همچنین موقوفات بسیاری به حرم مطهر رضوی اعطا نمود؛ از آن جمله می‌توان به احداث یک کاروانسرا، احیای کاریز در مشهد، و وقف دهی برای تأمین مخارج آن اشاره نمود. بیهقی در سال ۴۳۱ق که از تربت امام رضا علیه السلام دیدن کرده، قبر ابوالحسن عراقی را نیز در مسجد کنار مشهد در طاقی پنج‌گز دیده است. (بیهقی، ۱۳۶۲، ص ۵۳۴)

ابوالحسن عراقی در اوایل قرن پنجم هجری، علاوه بر مرمت بقعه رضوی، اقدام به ساخت مسجد بالاسر در کنار حرم مطهر رضوی کرد. این مسجد توسط عراقی در سال ۴۲۵ق در غرب روضه منوره ساخته شد. «مسجد بالاسر» قدیمی‌ترین رواق در همان

زمین بقعه است که متصل به ضلع غربی آن ساخته شده و یکی از یادگارهای عصر غزنوی به‌شمار می‌رود. (مولوی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۴۳)

«مسجد بالاسر» میان پس‌نشستگی دارالسیاده و مقبره امام رضا علیه السلام قرار دارد. این مسجد کوچک در غرب بقعه منوره و بالاسر مبارک بین حرم و رواق دارالسیاده واقع شده است. مسجد بالاسر با ابعاد ۸ متر طول، ۴/۳۰ متر عرض و ۱۰ متر ارتفاع بعد از روضه منوره کهن‌ترین مکان و مسجد در حوزه حرم و نزدیک‌ترین بنا به ضریح مقدس رضوی است. (اوکین، ۱۳۸۶، ص ۲۵)

از دیگر کارگزاران غزنوی که به حرم مطهر رضوی توجه داشته، ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر عارض سپاه غزنوی و وزیر سلطان مسعود غزنوی است. (بیهقی، ۱۳۵۶، ص ۱۰۸) وی قرآنی را به خط کوفی به‌شیوه کتاب‌آرایی ایرانی در مکتب خراسان قرن چهارم هجری که شامل جزء ۱۳ قرآن است، در سال ۳۹۳ق به آستان قدس رضوی اهدا کرده که اکنون در موزه آستان قدس رضوی موجود است. (ثبت‌شده به‌شماره ۹۳۰۲۱۹ در موزه آستان قدس رضوی) (تصویر ۱)

تصویر ۱:

قرآن به خط کوفی اهدا شده به آستان قدس رضوی توسط ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر



علاوه بر، ابوالحسن عراقی و ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر، خود سلطان مسعود نیز با وجود گرفتاری‌های سیاسی به حرم مطهر رضوی توجه داشت. به دستور وی (۴۲۲-۴۳۱ق) ریاست حرم به ابوجعفر محمد علوی واگذار گردید. در این باره ابن‌فندق، مؤلف تاریخ بیهقی نوشته است:

سید امام اجل ابوجعفر محمد یک چند نقیب و رئیس مشهد بود و آن مثال که از دیوان سلطان مسعود به نام او درین باب نوشته‌اند، من دارم. (ابن‌فندق، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۵۹۴)

واگذاری ریاست حرم مطهر رضوی از سوی سلطان غزنوی به یک علوی، تلاش برای آبادانی مشهدالرضا، وقف املاک بر حرم توسط بزرگان دولت غزنوی و نیز دفن برخی از آنان در جوار حرم مطهر رضوی از موقعت ممتاز آن بارگاه در روزگار غزنوی پرده برمی‌دارد. اخباری مبنی بر توجه بزرگان غزنوی به حرم مطهر رضوی و زیارت آن ثبت شده است. بیهقی شخصاً حرم امام رضا علیه السلام را زیارت کرد و در ماجرای انتخاب امام رضا علیه السلام به‌عنوان ولیعهد، ایشان را با عنوان امام معرفی نمود. (بیهقی، ۱۳۶۲، ص ۴۵۹)

حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ق) که اثر خود را در عصر غزنوی نگاشته، در کتاب خود به دیدار محمد بن اسلم طوسی از امام رضا علیه السلام اشاره کرده است. (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲) نکته جالب در این اثر، ذکر نام تک‌تک امامان شیعه علیهم السلام قبل از نام امام رضا علیه السلام است. (همان، ص ۱۳۵) کاربرد کلمه «امام» برای تک‌تک ائمه شیعه علیهم السلام و از جمله علی بن موسی الرضا علیه السلام از نکات مهم این کتاب به‌شمار می‌رود. بدین‌روی می‌توان گفت: در دوره سامانیان و غزنویان ضمن ارادت و احترام به حرم مطهر رضوی، نوعی «تشیع محبتی» در رفتارهای سیاستمداران مشهود بوده و طبیعتاً این نوع رفتار تساهل‌آمیز برای دوره بعد به ارمغان گذاشته شده است.

دوره سلطان سنجر؛ اوج توجه به حرم مطهر رضوی

در خصوص وضعیت حرم امام رضا علیه السلام و نوع ارادتی که از سوی سلجوقیان به این مکان مقدس گذاشته می‌شود، می‌توان این دوران را به دو دوره تقسیم نمود. ۱. دوران سلاطین بزرگ سلجوقی؛ ۲. دوران حکومت سنجر به بعد. در همین زمینه نیز می‌توان این احترام و ارادت را به دو نوع تقسیم نمود: ۱. ارادت قلبی و زیارت حرم مطهر رضوی؛ ۲. اقدام عملی در جهت تعمیر و بازسازی حرم مطهر رضوی.

از منابع تاریخی برمی‌آید که سلاطین سلجوقی همواره نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام اظهار ارادت می‌کردند. به‌رغم گرایش امرای سلجوقی به مذهب تسنن، آنان همواره به زیارت مرقد امام رضا علیه السلام که نماد تشیع شمرده می‌شد، می‌رفتند. در حبیب السیر آمده است: آلب ارسلان پس از فتح خوارزم، در توس به زیارت امام رضا علیه السلام رفت. (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۸۹) همچنین ملک‌شاه و خواجه نظام‌الملک وقتی که تکش برادر ملک‌شاه در خراسان شورش کرد، به زیارت امام رضا علیه السلام رفتند. در این زیارت به اعتقاد قلبی سلطان درباره این امام اشاره شده است:

چون (خواجه و ملک‌شاه) از روضه بیرون آمدند، از خواجه پرسید: چه دعا کردی؟ وی گفت: حضرت تو را مسئلت نمودم. سلطان گفت: من این دعا کردم اگر برادرم نسبت به مسلمانان اصلح است او را ظفر ده؛ اگر من اصلحم، مرا. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۶۵۱)

علاوه بر زیارت حرم مطهر رضوی توسط سلاطین سلجوقی، آنان به زیارت دیگر ائمه اطهار علیهم السلام نیز می‌رفتند. ملک‌شاه و خواجه نظام‌الملک علاوه بر زیارت مقبره‌های ابوحنیفه و احمد بن حنبل، در سال ۴۷۹ق به زیارت آرامگاه امام موسی کاظم علیه السلام رفتند. پس از آن به زیارت مقبره امیرالمؤمنین علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت معصومه علیه السلام رهسپار گشتند. (میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۴، ص ۲۸۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۶۰۲-۶۰۳)

سلجوقیان از منظر اقتصادی هم به حرم مطهر رضوی توجه داشتند. اوقافی هم برای حرم در نظر گرفته، عالمی را تولیت اوقاف قرار دادند. قاضی القضاة ابوسعید محمد بن اسماعیل از سوی سلجوقیان به مقام «قضا» و «تولیت اوقاف نوقان» (یعنی مشهد رضوی) منصوب گردید. (منتجب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴، ص ۳۲-۳۳)

از گزارش‌های مزبور می‌توان چنین نتیجه گرفت که سلاطین بزرگ سلجوقی ارادت قلبی خود را به حرم امام رضا علیه السلام نشان داده، در سختی‌ها و مشکلات بدان توسل می‌جستند؛ اما در منابع تاریخی اطلاعاتی در خصوص اینکه این دو سلطان سلجوقی اقدام عملی در خصوص عمران، آبادی، مرمت و اضافه نمودن تزیینات به این مکان مقدس انجام داده‌اند، نکته‌ای ذکر نشده است.

در دوران حکومت سنجر، بیشترین توجه به حرم مطهر رضوی صورت پذیرفت. چون دوران حکومت سلطان سنجر دوران طلایی حیات فرهنگی خراسان دانسته می‌شود (راوندی، ۱۳۶۴، ص ۱۷۱)، برخی از محققان معتقدند: تاریخچه بناهای احداثی در حرم مطهر رضوی مربوط به دوره سلطان سنجر است. (سیدی، ۱۳۷۸، ص ۲۶ و ۳۰؛ قصابیان، ۱۳۷۷، ص ۶۷) از اولین گزارش‌های مبنی بر مرمت و بازسازی حرم مطهر رضوی در دوره سنجر، گزارشی است که ابن اثیر ارائه می‌کند. در سال ۵۱۵ق فرامرز بن علی در پی تخریب حرم مطهر رضوی که در سال ۵۱۰ق اتفاق افتاده بود، اقدام به بازسازی حرم کرد و حصار پیرامون مشهد مقدس می‌کشید تا مشهد از گزند در امان بماند و کسی نتواند بدان صدمه‌ای بزند. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۲۴، ص ۲۰۷-۲۰۸)

گفتنی است: در روز عاشورای سال ۵۱۰ق در دوران سلطنت سنجر در خراسان، درگیری شدیدی میان فرق مسلمانان رخ داد و حرم رضوی تخریب شد. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۲۴، ص ۲۰۷-۲۰۸) از این گزارش می‌توان به این نتیجه رسید که تا پیش از درگیری یادشده، حرم مطهر رضوی آباد بوده و رونق داشته است. در این برهه زمانی سلطان سنجر

درگیر آماده کردن لشکر برای مقابله با برادرزاده‌اش محمود بن محمد بود. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۲۴، ص ۲۷۸-۲۸۳) به نظر می‌رسد وی فرصت و انگیزه کافی برای توجه به حرم مطهر رضوی نداشته است. از این رو، این فرضیه که اقدامات مزبور برای حرم مطهر رضوی از سوی سلطان سنجر یا به دستور وی بوده باشد، منتفی است. بنابراین باید بررسی شود که فرامرز بن علی چه کسی بوده و چه جایگاه و سمتی در خراسان داشته که اولین باروی حرم رضوی را ساخته است. در منابع تاریخی عصر سنجر، خبر بارزی از فرامرز بن علی دیده نمی‌شود؛ اما با بررسی چهار مقاله نظامی عروضی و دیوان امیر معزی می‌توان به هویت وی پی برد.

برجسته‌ترین خبر از پدر فرامرز بن علی - علاءالدوله علی، امیر آل‌کاکویه - در خراسان روایتی از نظامی عروضی است که در سال ۵۱۰ق در «تروغ» (طُرق کنونی) از امیرمعزی شاعر در لشکرگاه سلطان سنجر شنیده است. نظامی عروضی از امیر معزی نقل می‌کند که به واسطه علاءالدوله علی نزد سلطان ملکشاه جایگاه و اعتباری یافته و ترقی نموده است؛ زیرا وی شعر دوست، ندیم خاص سلطان و داماد وی بود. (نظامی عروضی، ۱۳۸۵، ص ۶۶) از این رو معزی نیشابوری تقریبش را نزد سلطان ملکشاه سلجوقی و نیز آوازه‌اش در شاعری را مدیون التفات و نوازش امیر علاءالدوله علی می‌داند. امیر علاءالدوله علی مرا «با سلطان ندیم کرد و اقبال من روی در ترقی نهاد و بعد از آن پیوسته تیمار من همی داشت و امروز هر چه دارم از عنایت آن پادشاه‌زاده دارم.» (نظامی عروضی، ۱۳۸۵، ص ۶۹)

معزی در اشعار خود، او را با امام علی عَلَيْهِ السَّلَام مقایسه می‌نماید. (معزی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱) اینکه معزی بیان می‌کند: علاءالدوله علی داماد سلطان بوده، از آن نظر است که وی در سال ۴۶۹ق با ارسلان خاتون (خدیجه) خواهر آل‌بارسلان که پیش‌تر همسر خلیفه بود، ازدواج کرده است. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۱۷، ص ۳۲۰؛ بنداری، ۱۳۵۶، ص ۶۰) همان‌گونه که ذکر گردید، علاءالدوله علی ضمن آنکه داماد سلطان بوده، ندیم وی نیز بوده است.

به‌رغم آنکه امیر علاءالدوله در سال ۴۸۸ ق در گذشته (مجمَل التواریخ و القصص، ۱۳۱۸، ص ۴۰۹)، معزی و به‌تبع او، نظامی عروضی در سال ۵۱۰ ق با احترام از وی یاد کرده‌اند. آنچه مسلم است اینکه پدر فرامرز بن علی، علاءالدوله علی از خاندان کاکویه، نزد سلاطین سلجوقی اعتبار و عزتی داشته است. به‌نظر می‌رسد فرزندان او نیز پس از درگذشت وی تا چند دهه بعد در دولت سلاجقه و به‌ویژه در حکومت سنجر جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند.

امیرعلاءالدوله علی دو پسر به نام‌های «گرشاسب» و «فرامرز» داشت که آنان نیز همان سیاست پدر را در قبال سلجوقیان در پیش گرفتند و روابط حسنه‌ای با سلجوقیان، به‌ویژه سلطان سنجر داشتند. پس از قتل امیرعلاءالدوله علی، فرزندش گرشاسب به امارت یزد رسید. در خصوص ارتباط گرشاسب با سنجر باید گفت: گرشاسب بن علی در اواخر قرن پنجم هجری با خواهر محمد و سنجر ازدواج کرد (جعفر بن محمد، ۱۳۸۹، ص ۲۱) و تقریباً به سلاطین سلجوقی بیشتر شد و عملاً از یاران سلطان سنجر به‌شمار می‌رفت.

در خصوص ارتباط فرامرز بن علی با سلطان سنجر و جایگاهش در خراسان باید گفت: وی نزد سلطان سنجر سلجوقی قرب و منزلتی داشت و بسیاری از اوقات را در معیت وی در خراسان بود. علاوه بر این، فرامرز با بزرگان علم و ادب خراسان معاشرت داشت. ظهیرالدین بیهقی مشهور به «ابن فندق» از حضور وی در خراسان در سال ۵۱۶ ق خبر می‌دهد و با وی نیز ملاقاتی داشت. وی نیز در کتاب *صوان الحکمه* به ملاقات فرامرز بن علی با حکیم عمر خیام نیشابوری (م ۵۱۵ ق) و مناظره میان آن دو اشاره دارد. (بیهقی، ۱۳۵۱ ق، ص ۱۳۶) فرامرز در سفرهای جنگی، سلطان سنجر را همراهی می‌نمود و همراه سنجر در جنگ قطوان (۵۳۶ ق) در برابر گورخان قراختایی حضور داشت. وی در اثنای این نبرد، به قتل رسید. (غفاری قزوینی، ۱۳۹۶، ص ۸۲) معلوم می‌شود فرامرز بن علی همانند پدر و برادرش نزد سلطان سنجر قرابت و نزدیکی داشته است. از این‌رو این امکان برای فرامرز بن علی فراهم بوده است که بتواند در خصوص حرم مطهر رضوی اقداماتی انجام دهد.

نکته جالب توجه دیگر این است که لوحی سنگی در موزه آستان قدس رضوی موجود است که سال ساخت آن مربوط به همین دوره زمانی مورد بحث (۵۱۶ق) است. از این رو این سؤال پیش می‌آید که این لوح سنگی ارتباطی با فرامرز بن علی دارد یا خیر؟ لوح سنگی مد نظر از سنگ مرمر، از گونه صابونی است که شکل آن مستطیل و دارای ۴۰ تا ۴۴ سانتی متر طول، ۳۰ تا ۳۲ سانتی متر عرض و ۶ سانتی متر ضخامت با کناره‌هایی ناصاف است. این سنگ به سفارش احمد بن علی بن احمد علوی حسینی ساخته شده است. روی سنگ عباراتی شامل آیه قرآن و اسامی امامان نوشته شده که از لحاظ قدمت اهمیت بسیاری دارد. (تصویر ۲)

تصویر ۲: (لوح سنگی موجود در موزه آستان قدس رضوی، سال ساخت ۵۱۶ق)



افضل‌الدین آذربید در سال ۱۳۱۸ این لوح را در اصفهان از یک مغازه سمساری خرید و پس از قرائت کتیبه‌های آن به ارزش و اصالت لوح پی برد. او این لوح را «سنگ قبر حضرت ثامن‌الائمه» تلقی کرده، پس از مشورت با فروغی، نخست‌وزیر وقت، آن را به مبلغی نسبتاً کم به دربار فروخت. ایرج افشار نیز به نقل از محمدتقی مصطفوی از فروش این لوح در اوایل سلطنت محمد رضا شاه، به دربار و ارسال آن به موزه آستان قدس رضوی خبر داده است. (آذربید، ۱۳۷۴، ص ۹۱۴)

برخی نویسندگان از این سنگ به اشتباه با عنوان «نخستین سنگ مرقد امام رضا علیه السلام» یا «سنگ تاریخی مزار امام» یاد کرده‌اند (شیریان، ۱۳۴۴، ص ۷۶-۷۷؛ امام، ۱۳۴۸، ص ۴۳۷؛ احتشام کاویانیان، ۱۳۵۴، ص ۳۳-۳۵)؛ اما در اسناد و متون تاریخی اشاره‌ای به این لوح به عنوان سنگ نبشته مرقد امام رضا علیه السلام نشده است. این لوح سنگی محفوظ در موزه آستان قدس رضوی، برخلاف آنچه در دهه‌های اخیر شهرت یافته، مربوط به حرم علی بن موسی الرضا علیه السلام در شهر مشهد نیست و قطعاً نمی‌تواند اولین سنگ قبر آن حضرت باشد. از این رو محققان نباید از تاریخ ۵۱۶ ق که بر روی آن حک شده، چنین استنباط کنند که در چنین سالی در حرم مطهر رضوی ساخته شده است.

قابل ذکر است که لوح سنگی مذکور شباهت کم‌نظیری با سنگ قدمگاه امام رضا علیه السلام در فراشاه‌یزد دارد. سنگ موجود در فراشاه به دستور گرشاسب بن علی در سال ۵۱۲ ق ساخته و در قدمگاه امام رضا علیه السلام در این منطقه نصب شده است. نکته آنکه هر دو سنگ از جنس گندمی بوده و توسط عبیدالله بن احمد مره حکاکی گردیده است. (افشار، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۱۵) ایرج افشار نیز در بررسی هفت لوح سنگی در یزد و موزه‌های دنیا، با در نظر گرفتن مشابهت‌های نوع سنگ، طرز کار و نام سنگتراش، محل ساخت آنها را یزد می‌داند. (افشار، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۱۳-۹۱۶)

در خصوص کلمه «مشهد» که در لوح سنگی آمده، ایرج افشار معتقد است: «مشهد» به معنای محل دیدار و مشاهده است و اصطلاح «مشهد» در ناحیه یزد، به جاهایی گفته می‌شده که محل عبور علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده است. استعمال کلمه «مشهد» بر روی سه سنگ قدمگاه فراشاه (۵۱۲ق)، سنگ آستان قدس (۵۱۶ق) و سنگ مسجد مشهد علی بن موسی الرضا (۵۴۷ق) به یک معناست. (افشار، ۱۳۷۴، ص ۹۱۶)

همان‌گونه که بیان گردید، در فاصله زمانی ۵۱۰ق تا ۵۱۶ق چند مسئله مهم در ارتباط با آل کاکویه و حرم مطهر رضوی وجود دارد: از یک سو فرامرز بن علی بارویی به دور حرم مطهر رضوی ساخت و از سوی دیگر برادرش، گرشاسب بن علی، در یزد دستور ساخت و تجهیز اماکن منسوب به عبادتگاه امام رضا علیه السلام را داد و سنگ‌هایی یک‌شکل برای تزیین آنها به کار برد. آنچه مهم است اینکه لوح سنگی سال ۵۱۶ق، خواه برای حرم مطهر رضوی ساخته شده باشد و خواه برای نصب در محل عبادت یا قدمگاه امام رضا علیه السلام، منسوب به وجود امام رضا علیه السلام است. همین انتساب برای اینکه بپذیریم در دوران سلطان سنجر به حرم مطهر رضوی توجه ویژه‌ای می‌شده، کافی است.

به‌طور کلی، می‌توان گفت: خاندان شیعی آل کاکویه که نزد سلاجقه و به‌ویژه سلطان سنجر جایگاه و اعتبار خاصی داشتند، در اوایل قرن ششم هجری فعالیت‌های مشهودی در ارادت‌ورزی به حضرت رضا علیه السلام و حرم ایشان داشتند و این به خاطر تساهلی است که سلطان سنجر در ارتباط با فعالیت‌های آنان نشان می‌داد.

علاوه بر خاندان کاکویه که توجه ویژه‌ای به حرم مطهر رضوی داشتند، یکی از بزرگان دربار سلجوقی به نام شرف‌الدین ابوطاهر سعد بن علی قمی شیعی نقش پررنگی در این زمینه داشت. وی قریب چهل سال از سوی سلجوقیان حاکم مرو بود و در آخرین سال زندگی خود، به وزرات سلطان سنجر سلجوقی منصوب گردید. (۵۱۶ق) دوران وزارت وی

تقریباً مصادف با اقدامات فرامرز بن علی برای بازسازی حرم است. ابوطاهر برای نخستین بار بنای مفصلی برای حرم امام رضا علیه السلام ساخت و اولین گنبد را نیز بنا نهاد. (منشی کرمانی، ۱۳۶۴، ص ۶۰) در *منتخب التواریخ* آمده است: نزدیک سال پانصد هجری، ابوطاهر اصالتاً یا وکالتاً قبه جدیدی بر فراز بقعه مبارکه ساخت. (خراسانی، ۱۳۸۸، ص ۶۴۵-۶۴۶) اعتماد السلطنه معتقد است: اولین کسی که ساخت بنای حرم مطهر رضوی را انجام داده، ابوطاهر قمی بود و منبع این خبر را *مجالس المؤمنین* شوشتری بیان می‌کند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۱) وی ضمن احداث بنا بر حرم مطهر رضوی، قریه معتبری را در نواحی مشهد وقف حرم مطهر گردانید. (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۱۳) در نهایت، وی را در جوار حرم مطهر رضوی دفن کردند. (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۴۶۲) دهی بر مقبره وی وقف شد و درآمد آن خرج مقبره‌اش گردید. (منشی کرمانی، ۱۳۶۴، ص ۶۰؛ خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۱۳)

علاوه بر اقدامات ابوطاهر قمی، از منابع تاریخی دوران سلطان سنجر اطلاعاتی در دست است که نشان از ارادت و توسل به امام رضا علیه السلام دارد. نویسنده گمنام *مجمل التواریخ و القصص* که اثر خود را در سال ۵۲۰ق نگاشته و هم‌عصر سنجر سلجوقی است، بعد از ذکر اسامی ائمه شیعه علیهم السلام، می‌نویسد: «و این جماعت آن‌اند که اهل شیعت و علویان ایشان را سید عشیرت و امام اهل بیت پیغامبر - علیه السلام - شمردند ...» (*مجمل التواریخ و القصص*، ۱۳۱۸، ص ۴۵۸) این موضوع نشان از گرایش به نوعی تشیع در میان فرهیختگان جامعه سلجوقی دارد.

همچنین توسل و ارادتی که اعضای بلندمرتبه دربار و دیوان سلطان سنجر به حرم مطهر رضوی داشتند قابل توجه است. منتجب‌الدین بدیع از دیوانیان عصر سنجر و نویسنده کتاب *عتبة الکتبه* در مقدمه کتاب خود، از زیارت مرقد امام حرم مطهر رضوی در مشهد

یاد کرده و پیشرفت خود در نویسندگی را مدیون کرامات امام رضا علیه السلام دانسته است. (منتجب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴، ص ۳) علاوه بر این، برخی گزارش‌ها حاکی از توجه علمای اهل سنت و زیارت عده‌ای از حرم مطهر رضوی است. امام محمد غزالی (م ۵۰۵ق) از عالمان و عارفان سده پنجم و ششم هجری در *غزالی‌نامه* از حضور خود در مشهد الرضا علیه السلام و طلب شفاعت سخن گفته است. (همایی، ۱۳۱۸، ص ۱۲۷) از این گزارش‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که در دوران سلطنت سنجر، میزان ارادت به حرم امام رضا علیه السلام در میان اهل سنت افزایش یافته است.

همان‌گونه که بیان گردید، دوران سلطنت سنجر نقطه عطفی در توجه به حرم مطهر رضوی است. درست است که شخص سلطان سنجر دستور چنین اقداماتی را در حرم مطهر رضوی نداده، ولی اینکه برای شیعیانی همچون ابوطاهر قمی و خاندان کاکویه فضایی فراهم شد که اقدامات عمرانی برای حرم مطهر رضوی انجام دهند، نشان از نوعی تساهل در رفتار سلطان سنجر دارد. در همین زمینه، سلطان سنجر با شیعیانی که اعتقاد داشتند در حرم رضوی به خاک سپرده شوند، همراهی می‌نمود.

چون حکومت باوندیان شیعی‌مذهب بود (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶، ص ۱۱۹-۱۲۰)، سلطان سنجر به دفن یکی از افراد این خاندان شیعی در حرم مطهر رضوی رضایت داد. گرده‌بازو باوندی (م ۵۵۲ق) فرزند شاه غازی رستم بن علی از حاکمان باوندی مازندران در سرخس توسط دو تن از فداییان اسماعیلی به قتل رسید. (مرعشی، ۱۳۶۸، ص ۸۶) کارگزاران سلطان سنجر جسد وی را در حرم مطهر رضوی به خاک سپردند. به دستور سلطان سنجر قبه‌ای برایش ساختند و چند ده بر آن وقف گردید. (مرعشی، ۱۳۶۸، ص ۸۶؛ آملی، ۱۳۴۸، ص ۱۲۷) از این رو رفتارهای تساهل‌آمیز سلطان سنجر در خصوص حرم مطهر رضوی فضایی فرهنگی را ایجاد نمود که توجه به این مکان به درون خاندان سلجوقی، به‌ویژه در میان زنان خاندان کشیده گردد.

توجه بیش از پیش زنان دربار سلجوقی به مرقد رضوی

پس از اقدامات منحصر به فرد ابوطاهر قمی و خاندان کاکویه در توجه به حرم مطهر رضوی، تغییرات محسوسی ایجاد شد. این موضوع از دو جهت حایز اهمیت است: یکی اینکه توجه به حرم مطهر رضوی به داخل خاندان سلطنتی رسید؛ و دیگر اینکه زنان سلجوقی در رأس این کار قرار گرفتند.

در نیمه دوم قرن ششم هجری، حرم مطهر رضوی محل توجه زنان دربار سلجوقی قرار گرفت. تا پیش از اقدامات منحصر به فرد زنان سلجوقی در حرم مطهر رضوی، تعمیر و بازسازی توسط شیعیان، از جمله ابوطاهر وزیر شیعی و خاندان کاکویه در دوران سلطان سنجر صورت گرفته بود؛ اما در این دوره از درون خاندان سلطنتی در این زمینه اقدام صورت پذیرفت. در میان منابع تاریخی و آثار برجای مانده، نام چند زن از خاندان سلجوقی آمده است که توجه ویژه‌ای به حرم مطهر رضوی داشتند.

تَرَکان زُمرد مَلِک، اُلغ تَرَکان و گوهر نسب از خاندان سلطنتی سلجوقی، اقدامات منحصر به فردی در این مکان مقدس انجام دادند. یکی از قسمت‌های تاریخی حرم مطهر رضوی که منقش به کاشی‌های ازاره حرم بوده و به لحاظ زیبایی در نوع خود بی‌نظیر است، توسط تَرَکان زُمرد مَلِک ساخته و نصب شده است. این کاشی‌های نفیس و زیبا معروف به «خشت‌های سلطان سنجر» (خراسانی، ۱۳۸۸، ص ۵۹۶) همچنان باقی مانده‌اند و اکنون در زیر قاب‌های بزرگ شیشه‌ای محافظت می‌شوند و جزو اولین کاشی‌های تاریخدار هنر کاشی‌کاری اسلامی است که در ایران شرقی یافت شده است. (کیانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷)

اعتمادالسلطنه و شوشتری کاشی‌های ازاره حرم رضوی را منتسب به سلطان سنجر می‌دانند و معتقدند: کاشی‌های مذکور از اقدامات ابوطاهر قمی است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ص ۵۱؛ شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۴۶۲)؛ اما گزارش اعتمادالسلطنه و شوشتری در خصوص اقدامات ابوطاهر در زمینه کاشی‌ها چندان قابل باور نیست؛ زیرا نام زُمرد مَلِک دختر

سلطان شهید محمود به‌طور پیوسته و یکپارچه در کاشی‌ها مشاهده می‌شود که حاکی از نقشی است که او نیز در کاشی‌کاری‌های بنای ازاره داشته است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۳؛ مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۹-۱۹۷) به‌لحاظ تاریخی دوران حیات ابوطاهر که در سال ۵۱۶ق به پایان رسید، با حیات ترکان زُمرد مَلِک دختر سلطان محمود همخوانی ندارد.

بر روی کاشی‌ها احادیث، آیات، کلمات قصار، امثال و اشعار به خط نسخ قرن ششم هجری نوشته شده است. نوع کاشی‌ها بسیار نفیس و ظریف و دارای رنگ‌های لاجوردی، قهوه‌ای، فیروزه‌ای و سفید است و در چهار طرف ازاره حرم مطهر نصب شده و که با تغییر نور، رنگ‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. (ویلسن، ۱۳۱۷، ص ۱۴۵؛ پوپ، بی‌تا، ص ۸۲) ارتفاع ازاره قبلاً دو متر و بیست سانتی‌متر بوده و اکنون یک متر و هشتاد سانتی‌متر است. نکته حایز اهمیت این است که در سال ۱۳۴۳ کف حرم مطهر را قریب چهل سانتی‌متر بالا آوردند (عطاردی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۵) و این کار موجب شد قریب چهل سانتی‌متر از کاشی‌های وقفی زُمرد ملک در تمام دوره روضه منوره در مجاور خاک صدمه ببیند. (مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۹-۱۹۷) کاشی‌های مذکور به «کاشی‌های خاندان ابوطاهر» معروف هستند که چهار نسل در کاشان به تولید کاشی‌های معرق می‌پرداختند و آن را به نقاط گوناگون صادر می‌کردند. (دوری، ۱۳۷۴، ص ۸۸)

نگارندگان مقاله «بررسی پیشینه یک اثر معماری در حرم رضوی: کتیبه‌های سنجری» معتقدند: این کاشی‌ها متعلق به دوره سلجوقیان نبوده و در زمان سلطان سنجر ساخته نشده است (ایمانپور و صیامیان، ۱۳۸۹)؛ اما آنچه مسلم است اینکه کاشی‌های سنجری مربوط به دوران بعد از سلطنت سنجر است و توسط شخصی از خاندان سلجوقی (ترکان زُمرد مَلِک) ساخته و نصب شده است.

اعتمادالسلطنه که تلاش داشته کاشی‌ها را بازخوانی کند، معتقد است: به علت بازسازی‌های بعدی، کاشی‌ها به‌صورت نامنظمی قرار گرفته است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲،

ج ۲، ص ۶۳) چون کلمه «خمس مائه» در کاشی‌ها نوشته شده، سال ساخت آنها به صورت دقیق مشخص نیست. برای اینکه بتوانیم تاریخ ساخت کاشی‌های ازاره را دریابیم، باید به این نکته توجه کنیم که ترکان زُمرد مَلِک، بانی کاشی‌ها، چه کسی بوده است؟ همچنین از آثاری دیگری که در حرم مطهر رضوی برجای مانده است، می‌توان به نتایجی دست یافت.

ترکان زُمرد مَلِک دختر سلطان محمود بن محمد بن بغراخان بوده است. سلطان محمود بن محمد خواهرزاده سلطان سنجر سلجوقی بوده (مستوفی، ۱۳۶۱، ص ۶۴۳؛ میرخواند، ۱۳۳۹، ج ۴، ص ۶۸۸) و در هنگام اسارت سنجر در دست غزان، عامل وی در خراسان شده است. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۲۰، ص ۲۵۲) خود سنجر نیز در آستانه مرگ در سال ۵۵۲ق وی را جانشین خود ساخت. (ابن اثیر، ۱۳۶۸، ج ۲۱، ص ۱۲) در نهایت، ملک مؤید آی‌آبه علیه سلطان محمود بن محمد شورش کرد و وی را دستگیر و زندانی نمود و در سال ۵۵۷ق به قتل رسید. (ظهیرالدین نیشابوری، ۱۳۳۲، ص ۵۲) از این‌رو سال‌های حکومت سلطان محمود بن محمد ۵۵۲ق تا ۵۵۷ق است. در کاشی‌های ازاره حرم نام سلطان محمود را با صفت «شهید» درج نموده است.

علاوه بر این، از جزوات قرآنی که از ترکان زُمرد مَلِک برجای مانده است، می‌توان به نتایجی رسید. جزواتی از قرآن بین دو سقف عمارت آستان قدس به دست آمده که در ابتدا تعداد آنها سی‌پاره وقفی بوده؛ اما به علت حمله ازبکان در عصر صفویه تعدادی از آنها از بین رفته است، (امور فرهنگی آستان قدس رضوی، بی‌تا، ص ۲۷-۲۸) اکنون ده‌پاره از این جزوات قرآنی وقفی از زمرد ملک در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۳۵ تا ۴۴ به نام وی موجود است. جزوات قرآنی تاریخ ندارد و در آن به زبان فارسی ذکر شده است: «نوشت و وقف کرد این سی‌پاره بر مشهد مقدس رضوی - سلام الله تعالی علی ساکنه - زمرد ملک بنت سلطان محمود و هذا خطها تقبل الله منها». (مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۹-۱۹۷؛ امور فرهنگی آستان قدس، بی‌تا، ص ۲۷-۲۸) گفتنی است: ترکان زُمرد مَلِک یکی از خطاطان هنرمند عصر سلجوقی نیز بوده است.

علاوه بر تَرَکان زُمردمَلِک، خواهر وی اُلُغ تَرَکان نیز توجه ویژه‌ای به حرم رضوی داشت. وی نیز جزواتی از قرآن مجید را وقف آستان قدس کرده است. در وقفنامه جزوات وقفی اُلُغ تَرَکان که در آستان قدس موجود است، به زبان عربی نوشته شده:

وقف هذه الاجزاء العشره الملكة المعظمة العالمة العادلة جلال‌الدین و
الدنیا مغفرة الله سلام و المسلمین افتخار آل افراسیاب و سلجوق اُلُغ تَرَکان
خاتون بنت السلطان السعید محمود بن محمد بن بغراخان نورالله ...

هذه الاجزاء العشرة مع الصندوق

این جمله حاکی از آن است که این جزوات صندوق مخصوصی نیز داشته است. (مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۸۹)

وقفنامه‌های اُلُغ تَرَکان مانند وقفنامه خواهرش تَرَکان زُمردمَلِک تاریخ وقف ندارد و به احتمال زیاد در زمان حیات پدرشان، سلطان محمود این جزوه‌های قرآنی نوشته شده است؛ زیرا نام پدرشان، سلطان محمود، را به صورت «السلطان السعید محمود بن محمد بن بغراخان» ذکر کرده است. به نظر می‌رسد در بازه زمانی ۵۵۲-۵۵۷ق جزوات قرآنی وقف شده؛ ولی در کتیبه کاشی‌های ازاره نام او به صورت «سلطان شهید محمود» ذکر گردیده است. (مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۹-۱۹۷) بدین‌روی جزوات وقفی قرآنی بر ساخت کاشی‌های ازاره مقدم است.

همان‌طور که بیان گردید، آنچه اهمیت دارد این است که فردی از خاندان سلجوقی بانی ساخت کاشی ازاره‌های حرم بوده و اینکه کاشی‌ها در چه تاریخی ساخته شده است، در درجه دوم اهمیت قرار دارد. به نظر می‌رسد این کاشی‌ها در فاصله زمانی ۵۵۷ تا ۵۹۷ق ساخته و نصب شده است. از آنجا که سال فوت سلطان محمود ۵۵۷ق و در کتیبه کاشی‌ها نام پدر وی «سلطان محمود شهید» آمده و همچنین در کتیبه «خمس‌مائه» ذکر شده است، به نظر می‌رسد کتیبه در یکی از سال‌های نیمه دوم قرن ششم هجری از طرف تَرَکان زُمردمَلِک در ازاره حرم نصب گردیده باشد. (مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۹-۱۹۷) (تصویر ۳)

تصویر ۳: کاشی‌های ازاره حرم مطهر رضوی، ساخته شده به دستور ترکان زُمردَمَلِک

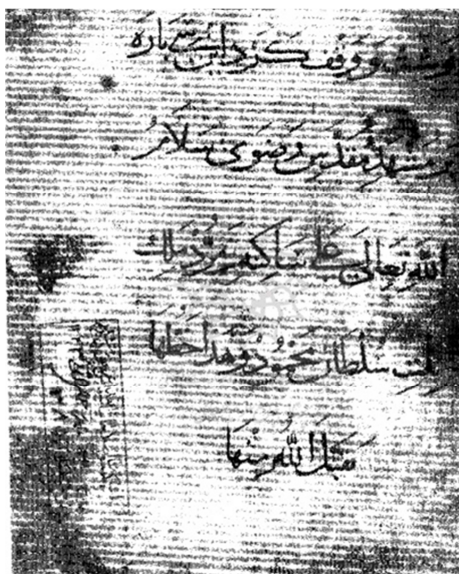


تصویر ۴: صفحه اول جزوه قرآن مجید به خط ترکان زُمردَمَلِک



صفحه اول جزوه قرآن مجید بخط زمرد ماک سلجوقی

تصویر ۵: پشت صفحه اول جزوات قرآن مجید به خط واقفه ترکان زُمردمَلِک



به نظر می‌رسد توجه به حرم مطهر رضوی و وقف بر این مکان مقدس به میدانی برای رقابت زنان سلجوقی تبدیل شده بود. علاوه بر ترکان زُمردمَلِک و اُلغ ترکان، جوهرنَسب، نواده دختری سلطان سنجر، نیز در این رقابت شرکت داشت. جوهرنَسب، مانند ترکان زُمردمَلِک و اُلغ ترکان، جزواتی از قرآن را بر آستان قدس وقف کرد و فقط دو جزوه از آن به شماره‌های ۴۵ و ۴۶ در کتابخانه آستان قدس ثبت شده و مابقی آن توسط ازبکان در عصر صفویه از میان رفته است. (مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۹-۱۹۷) جوهرنَسب دختر سلطان محمود^۱، نوه دختری سلطان سنجر است که پدرش داماد سلطان سنجر به شمار می‌آید. سلطان محمود، پدر جوهرنَسب، در سال ۵۲۵ق در عراق فوت کرد و هیچ‌یک از فرزندان وی پس از او به سلطنت نرسیدند و این احتمال وجود دارد که پس از مرگ وی در ۲۷

۱. سلطان محمود که برادرزاده و داماد سلطان سنجر بود، در مغرب ایران حکومت داشت و در سال ۵۲۵ق در همدان فوت کرد.

سالگی، دختر وی، جوهرنسب، به دربار سلطان سنجر آمده و در آنجا ساکن شده باشد. (بنداری، ۱۳۵۶، ص ۳۱۸) به نظر می‌رسد پس از اقامت وی در خراسان، وی جزوات قرآنی را وقف حرم مطهر رضوی نموده است.

تفاوت جزوات وقفی جوهرنسب با جزوات قرآنی ترکان زُمردمَلِک و اَلْغُتْرَکَان، در این است که تاریخ در آن ذکر شده و در سال ۵۴۰ق وقف گردیده است. «وقف ... جوهرنسب بنت السلطان الاعظم محمود بن محمد بن ملک‌شاه - قدس الله ارواحهم - فی شهر ربیع الاول سنة اربعین و خمسائه» (مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۷۹-۱۹۷) چون جزوات ترکان زُمردمَلِک و اَلْغُتْرَکَان در زمان سلطنت پدرشان (۵۵۲ق-۵۵۷ق) وقف شده است، به نظر می‌رسد که جوهرنسب در این کار پیشتاز بوده و پس از اقدام وی، ترکان زُمردمَلِک و اَلْغُتْرَکَان وارد کارزار رقابتی شده‌اند.

شاهزاده خانم‌های سلجوقی ضمن داشتن سواد خواندن و نوشتن (لمبتن، ۱۳۸۲، ص ۲۹۲) تعلیم خط بین آنان کاری معمول بود و در این قبیل امور، وارد عرصه رقابت می‌شوند. فعالیت خوشنویسی و وقف قرآن توسط سه بانوی ذکر شده با نام‌های جوهرنسب، ترکان زُمردمَلِک و اَلْغُتْرَکَان در دربار سلجوقی می‌تواند نشان از یک سنت هنردوستی در بین بانوان دربار سلجوقی باشد. (مولوی، ۱۳۵۵، ص ۱۸۹) چون جزوات زمردملک را خودش نوشته است، احتمالاً جزوات وقفی اَلْغُتْرَکَان، خواهر زُمردمَلِک و گوهرنَسَب نیز به خط خودشان باشد.

به نظر می‌رسد علاوه بر بحث رقابت میان زنان سلجوقی، نوعی از تشیع به نام «تشیع محبتی» در رفتارهای آنها مشاهده می‌شود. به علت آنکه سلطان سنجر نوعی تساهل نسبت به اقدامات شیعیانی همچون ابوطاهر قمی و خاندان کاکویه در خصوص حرم مطهر رضوی به خرج می‌داد، از این رو در میان خاندانش تشیع محبتی و عاطفی، به ویژه در میان زنان رواج یافت.

نتیجه

احترام و ارادات به حرم مطهر رضوی در دوره‌های گوناگون تاریخی بعد از شهادت امام رضا علیه السلام صورت می‌گرفته است. در دوره حکومت‌های سامانی و غزنوی، علاوه بر احترام و ارادت قلبی، اقداماتی در جهت بازسازی و اضافه نمودن بناهایی به حرم مطهر رضوی صورت پذیرفت که این کار زمینه‌ای برای حکومت سنی‌مذهب سلجوقیان بود تا این احترام و ارادت به این مکان مقدس نیز ادامه یابد.

نکته جالب توجه اینکه، سلاطین بزرگ سلجوقی (آلبارسلان و ملکشاه) از حرم مطهر رضوی زیارت کردند و به امام رضا علیه السلام احترام و ارادت قلبی داشتند. بعد از آنکه سنجر به حکومت رسید، افرادی شیعی همچون ابوطاهر قمی، وزیر سلطان سنجر، و فرامرز بن علی از خاندان کاکویه دست به بازسازی و مرمت حرم مطهر رضوی زدند. این موضوع نشان می‌دهد که رفتار تساهل‌آمیز سلطان سنجر فضایی برای اقدامات شیعیان در ارتباط با حرم مطهر رضوی فراهم ساخت. فضایی که در دوران حکومت سنجر ایجاد شده بود، موجب گردید توجه به حرم رضوی به درون خاندان سلجوقی کشیده شود.

از آن جالب‌تر اینکه زنان خاندان سلجوقی در رأس این کار قرار داشتند. در همان دوران حکومت سلطان سنجر، نوه دختری وی، جوهرنوب، تعدادی جزوه قرآنی به خط خود نوشت و وقف حرم مطهر رضوی نمود. جوهرنوب پیشتر توجه هر چه بیشتر زنان خاندان سلجوقی به حرم مطهر رضوی بود. ترکان زمردملک و الغ ترکان دو خواهری بودند که اقدامات منحصر به فرد و ماندگاری در حرم مطهر رضوی انجام دادند. کاشی‌های ازاره حرم رضوی که در نوع خود زیبا و منحصر به فرد است، به دستور ترکان زمردملک انجام شده است. علاوه بر آن، این دو خواهر جزواتی قرآنی به خط خود بر حرم مطهر رضوی وقف کردند. احترام و ارادتی که در زمان سلطان سنجر به حرم مطهر رضوی پی‌ریزی شد، منجر به گسترش تشیع محبتی و عاطفی در میان خاندان سنی‌مذهب سلجوقی گردید.

منابع

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر.
۲. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الارض)، ترجمه و تصحیح جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.
۳. ابن فندق، علی بن زید بیهقی (۱۳۶۷)، لباب الانساب، ج ۲، تصحیح مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۶۸)، تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه علی هاشمی حائری، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. ابن اسفندیار، بهاءالدوله محمد بن حسن (۱۳۶۶)، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال، تهران، خاور.
۶. ابن جوزی، ابوالفرج (۱۴۱۲)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. ابن حبان بستی، محمد ابوحاتم (۱۳۹۳ق)، کتاب الثقات، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیه.
۸. ابودلف، مسعر بن المهلهل (۱۳۴۲)، سفرنامه ابودلف در ایران، با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبائی، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار.
۹. احتشام کاویانیان، محمد (۱۳۵۴)، شمس الشموس، مشهد، آستان قدس.
۱۰. اعتماد السلطنه (صنیع الدوله)، محمد حسن خان (۱۳۶۲)، مطلع الشمس، تهران، پیشگام.
۱۱. افشار، ایرج، (۱۳۷۴)، یادگارهای یزد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۲. افضل الدین کرمانی، ابو حامد احمد بن حامد (۱۳۶۵)، عقد العلی للموقف الاعلی، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، روزبهان.
۱۳. امام، محمد کاظم (۱۳۴۸)، مشهد طوس، تهران، کتابخانه ملی ملک.
۱۴. امور فرهنگی آستان قدس (بی تا)، آستان قدس، دیروز و امروز، مشهد، آستان قدس.
۱۵. انصاری زنجانی، اسماعیل (۱۳۸۶)، الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء علیها السلام: شهادتها، ج ۷، قم، دلیل ما.

۱۶. اوکین، برنارد (۱۳۸۶)، *معماری تیموری در خراسان*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۷. ایمانیپور، محمدتقی و صیامیان‌گرچی، زهیر (۱۳۸۹)، «بررسی پیشینه یک اثر معماری در حرم رضوی: کتیبه‌های سنجری» *مطالعات تاریخ اسلام*، سال اول، ش ۴، بهار.
۱۸. آذربید، افضل‌الدین، *گزارش کتبی مورخ ۲۱ خرداد ۱۳۷۴*، مشهد، اداره پژوهش و معرفی موزه‌های آستان قدس رضوی.
۱۹. آملی، مولانا اولیاءالله (۱۳۴۸)، *تاریخ رویان*، تصحیح و تحشیه منوچهرستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۲۰. بارانی، محمدرضا و دهقانی، محمد (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رواداری مذهبی آل‌بویه و سلاجقه»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال پنجم، پاییز ۱۳۹۳، ش ۱۶.
۲۱. باسورث، ادموندکلیفورد (۱۳۸۴)، *تاریخ غزنویان*، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
۲۲. بنداری اصفهانی، قوام‌الدین فتح بن علی (۱۳۵۶)، *زبدة النصره و نخبة العصره (تاریخ سلسله سلجوقی)*، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ.
۲۳. بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۶۲)، *تاریخ بیهقی*، به‌اهتمام غنی و فیاض، تهران، خواجه.
۲۴. بیهقی، علی بن زید (۱۳۵۱ق)، *تتمه صوان الحکمه*، لاهور، رای صاحب منشی گلاب.
۲۵. (ابن فندق) بیهقی، ظهیرالدین علی بن زید (۱۳۶۱)، *تاریخ بیهقی*، تهران، فروغی.
۲۶. پرایس، کریستی (۱۳۵۵)، *تاریخ هنر اسلامی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر.
۲۷. *تاریخ سیستان* (۱۳۶۶)، به تصحیح محمدتقی بهار، تهران، خاور.
۲۸. جرفادقانی، ابوالشرف (۱۳۵۷)، *ترجمه تاریخ یمینی*، به‌اهتمام جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. یزدی، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۸۹)، *تاریخ یزد*، ترجمه ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی.
۳۰. جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، *تاریخ تشیع در ایران*، از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران، نشر علم.

۳۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۳۷۵)، تاریخ نیشابور، تهران، آگاه.
۳۲. مؤلف مجهول (۱۳۷۲)، حدود العالم من المشرق الی المغرب، با تعلیقات مینورسکی، ترجمه میرحسین شاه، تصحیح مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرا، تهران، دانشگاه الزهراء.
۳۳. حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی (۱۳۱۳)، تبصرة العوام فی معرفة مقامات الانام، تصحیح عباس اقبال، طهران، مطبعة مجلس.
۳۴. خراسانی، محمدهاشم (۱۳۸۸)، منتخب التواریخ، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۳۵. خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۶۲)، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، خیام.
۳۶. دوری، کارل (۱۳۷۴)، هنر اسلامی، ترجمه محمد بصیری، تهران، دانشگاه تهران.
۳۷. راوندی، ابوبکر محمد (۱۳۶۴)، راحة الصدور و آية السرور، تصحیح اقبال و مینوی، تهران، امیرکبیر.
۳۸. سیدی، مهدی (۱۳۷۸)، تاریخ شهر مشهد، مشهد، شهرداری مشهد.
۳۹. سیدی، مهدی (۱۳۸۱)، «آل کاکویه و اولین باروی شهر مشهد»، وقف؛ میراث جاویدان، سال دهم، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۱، مرکز خراسان‌شناسی.
۴۰. شبیریان، علی اکبر (۱۳۴۴)، «سنگ تاریخی مزار امام»، نامه آستان قدس، ش ۲۰.
۴۱. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۵۴)، مجالس المؤمنین، ج ۲، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
۴۲. رازی، شهردان بن ابی‌الخیر (۱۳۶۲)، نزهت‌نامه علایی، به کوشش فرهنگ جهانپور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴۳. صفی، امید (۱۳۹۹)، سیاست / دانش در جهان اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴۴. نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲)، سلجوقنامه، تهران، کلاله‌خاور.
۴۵. عابدینی، ابوالفضل و قهرمانی، مهدی (۱۳۹۰)، «مقایسه نظام آموزشی و مراکز علمی آل‌بویه و سلجوقیان»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۵.

۴۶. عطاردی، عزیزالله (۱۳۷۱)، *تاریخ آستان قدس رضوی*، تهران، عطارد.
۴۷. عوفی، نورالدین محمد (۱۳۶۱)، *لباب‌الالباب*، به‌اهتمام ادوارد براون، تهران، خوارزمی.
۴۸. غفاری قزوینی، احمد بن محمد (۱۳۹۶)، *تاریخ جهان‌آرا*، تهران، اساطیر.
۴۹. فتحعلی، محمود (۱۳۷۹)، *تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی، قم، طه*.
۵۰. فرزانه‌فر، حسین (۱۳۸۳)، *تساهل و مدارا امام فخر رازی درباره مذاهب اهل‌سنت*، تهران، عطایی.
۵۱. فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «وضعیت بارگاه رضوی از هنگام شهادت امام‌رضا علیه‌السلام تا آغاز سلجوقیان»، فصلنامه *مطالعات تاریخی*، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (علمی پژوهشی)، ش ۱۱-۱۲، بهار و تابستان.
۵۲. فیض قمی، عباس (۱۳۴۹)، *گنجینه آثار قم*، قم، چاپخانه مهر استوار.
۵۳. قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۱)، *النقض*، تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی.
۵۴. قصابیان، محمدرضا (۱۳۷۷)، *تاریخ مشهد*، مشهد، نشر انصار.
۵۵. قمی، نجم‌الدین ابوجاء (۱۳۶۳)، *تاریخ الوزراء*، تصحیح محمد تقی دانش‌پژوه، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵۶. قوچانی، عبدالله (۱۳۷۵)، «کتیبه کوفی محراب قدمگاه امام رضا»، *وقف؛ میراث‌جاویدان*، سال چهارم، ش ۱۳، بهار.
۵۷. کرمر، جوئل (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۵۸. کریمان، حسین (۱۳۴۰)، *طبرسی و مجمع‌البیان*، تهران، دانشگاه تهران.
۵۹. کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۶)، *تزیینات وابسته معماری ایران دوره اسلامی*، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۶۰. گردیزی، ابوسعید (۱۳۶۳)، *زین الاخبار*، تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
۶۱. لاک، جان (۱۳۸۳)، *نامه‌ای در باب تساهل*، ترجمه شیرزادگلشاهی کریم، تهران، نشرنی.

۶۲. لمبتن، آن (۱۳۸۲)، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشرنی.
۶۳. متز، آدام (۱۳۶۴)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر.
۶۴. *مجمعل التواریح و القصص* (۱۳۱۸)، تصحیح ملک الشعراى بهار، به همت محمدرمضانی، تهران، خاور.
۶۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۴)، *عیون اخبار الرضا*، ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۶۶. مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۶۸)، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، مقدمه محمدجواد مشکور، به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران، شرق.
۶۷. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۱)، *تاریخ گزیده*، به اهتمام ادوارد براون، تهران، دنیای کتاب.
۶۸. معزی، محمد (۱۳۹۳)، *کلیات دیوان امیرمعزی*، تهران، زوار.
۶۹. مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۷۰. منتجب الدین بدیع، علی بن احمد (۱۳۸۴)، *عتبة الکتبه*، تصحیح عباس اقبال، تهران، اساطیر.
۷۱. منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۴)، *نسائم الاسحار من لطائم الاخبار در تاریخ وزراء*، تصحیح و مقدمه میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، اطلاعات.
۷۲. مولوی، عبدالحمید (۱۳۵۵)، «کاشی های ازاره حرم مطهر رضوی»، *نامه آستان قدس*، ویژه نامه ۱۳.
۷۳. مولوی، عبدالحمید و مصطفوی، محمدتقی و شکورزاده، ابراهیم (۱۳۸۸)، «سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس رضوی، وقف؛ میراث جاویدان، سال هفدهم، ش ۶۵.
۷۴. مؤتمن، علی (۱۳۵۵)، *تاریخ آستان قدس رضوی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۷۵. میرخواند، میرمحمد (۱۳۳۹)، *روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفا*، تهران، مرکزی.
۷۶. نظامی عروضی، احمد بن عمر (۱۳۸۵)، *چهار مقاله*، تصحیح محمد قزوینی، تهران، اشراقی.

۷۷. نفیسی، نوشین‌دخت (۱۳۸۰)، *موزه‌داری*، تهران، سمت.
۷۸. ویلسن، کریستی (۱۳۱۷)، *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران، فرهنگسرا.
۷۹. همایی، جلال‌الدین (۱۳۱۸)، *غزالی‌نامه*، تهران، مجلس.
۸۰. یوسفی‌فر، شهرام و محمدی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹)، «چگونگی تأثیرگذاری باورهای مذهبی بر زندگی اجتماعی شهر ری دوره سلجوقی»، *جستارهای تاریخی*، دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان.